

مقاله



دکتر کامران تल्पف

استاد، شاگرد، همکار و ایران شناس به یاد جروم وایت کلیتون

«جروم وایت کلیتون» (جری کلیتون) استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پرینستون، پس از چند سال مبارزه با بیماری سرطان زردابی سرانجام در ماه نوامبر سال ۲۰۰۳ میلادی درگذشت. سالگرد مرگ وی بهانه‌ای است برای مرور خدمات پژوهشی، فرهنگی و دانشگاهی وی به رشته ایران شناسی و به ویژه رشته تخصصی‌اش، ادبیات فارسی. آشنایی من با این استاد وارسته چند گانه است. یکم اینکه برای سه سال با وی در دانشگاه پرینستون همکار بوده، در گروه مطالعات خاور نزدیک مسئولیت تدریس دروس زبان و ادبیات فارسی را به عهده داشتیم. دوم، در تألیف دو کتاب با یکدیگر همکاری داشتیم و سوم، بنا به گفته دکتر آلن لوتر، جروم کلیتون اولین دانشجوی وی بود و من آخرین آنها.

کلیتون در هنگام مرگ ۶۶ سال داشت. او در ایالت کالیفرنیا در یک خانواده مهاجر یهودی از اروپای شرقی به دنیا آمده بود. تحصیلات لیسانس خود را در دانشگاه استنفورد در سال ۱۹۵۲ به پایان رساند و سپس به اخذ درجه فوق لیسانس در رشته

ادبیات آمریکایی از دانشگاه پنسیلوانیا در ۱۹۶۲ نایل شد. از سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۰ به همراه سپاه صلح در مدرسه ایران زمین در تهران، به آموزش زبان انگلیسی پرداخت؛ سپس به امریکا بازگشت تا زیر نظر استاد آلن لوتر در دانشگاه میشیگان به یادگیری ادبیات فارسی بپردازد و سپس در همانجا در سال ۱۹۷۲ موفق به اخذ درجه دکتری در این رشته گردید. برای مدتی در دانشگاه مینه سوتا و نیز در تهران به تدریس و مطالعه پرداخت، سرانجام در ۱۹۷۴ در دانشگاه پرینستون، در بخش مطالعات خاور نزدیک به استخدام در آمد و تا هنگام بازنشستگی اش در ۲۰۰۲ در همانجا به تدریس زبان فارسی، ادبیات فارسی، هنر و تمدن اسلامی و سایر مواد مربوط به رشته ایران‌شناسی اشتغال داشت.

جری، پایان‌نامه دکترایش را درباره «دیوان منوچهری دامغانی» نوشت که بعدها در کتابی با عنوان: **دیوان منوچهری: یک بررسی انتقادی** به چاپ رسید.^۱ در این کتاب به غیر از تحلیل اشعار دامغانی و بررسی آنها در زمینه‌های تاریخی، به لزوم تحلیل متن‌گرا برای درک آن اشعار تأکید و شیوه‌های شرح و پرداخت تصاویر مربوط به باغ در ادبیات کلاسیک فارسی بررسی می‌شود. وی به ویژه نگاهی دارد به شعرهای نکته‌گو که در آن شاعر، باغ را نه تنها به عنوان پدیده‌ای طبیعی، بلکه به عنوان استعاره‌ای سیاسی به کار می‌برد. منوچهری به ویژه از طبیعت و باغ به گونه‌ای برتر استفاده می‌کند و از آن رهگذر، نمودی زنده و درخشان از دنیای درون دربار را به تصویر می‌کشد. کلینتون باور دارد که با این استعاره‌ها، شاعر نشان می‌دهد که حاصلخیزی باغ، نشانی است از رونق دربار. این در حالی است که در پیش درآمدها، چرخش فصل‌ها در طبیعت در تناقض با تداوم و پایداری اوضاع دربار قرار می‌گیرد. این توازی و تناقض، اغلب نقش ارتباط دهنده اجزای شعری شاعر را بازی می‌کنند. از این نقطه نظر، نظرات کلینتون به تحلیل‌های پر ارزش «جولی اسکات میثمی»، پژوهشگر پرکار ادبیات کلاسیک فارسی نزدیک می‌شود.^۲ هر دوی اینها معتقدند که باغ در دیباچه‌های شعری در واقع بخشی جدا ناپذیر از روند عرضه داشت هنری بوده که از طریق آن عظمت صاحب دربار را به نمایش می‌گذاشتند و اگر چه این رابطه در اشعار کلاسیک فارسی و حتی در اشعار یک شاعر به خصوص در مسیر گذشت زمان دگرگون می‌شود؛ اما همیشه بیان‌کننده رابطه شعری بین طبیعت و سیاست است. کلینتون همه اینها را با در نظر گرفتن رابطه میان زمینه تاریخی و فرهنگی شعر کهن بررسی می‌کند،

چرا که باور دارد در جهان شعر، همه این پدیده‌ها در رابطه‌ای هماهنگ با کاینات قرار دارند.

در همین راستا، کلیتون مقالات دیگری به چاپ رساند که از بین آنها می‌توان از مقاله‌های با ارزشش دربارهٔ قصیده «ایوان مدائن» خاقانی^۳ و «استعاره و هماهنگی در قصیده‌های فارسی»^۴، «دیوانگی و چاره آن در قصه‌های هزار و یک شب: افسانه شهریار و شهرزاد»^۵ نام برد. علاوه بر اینها، وی مقالات متعددی نیز دربارهٔ جنبه‌های دیگر ادبیات کلاسیک، ادبیات معاصر و فرهنگ اسلامی به چاپ رسانده است.^۶

اما شاید شهرت جری در کارهای تحقیقاتی و ترجمه‌ای بیش از هر چیز مدیون شاهنامه فردوسی باشد. خدمات وی از این نظر قابل تحسین است. گذشته از چندین مقاله تحقیقی، وی چند تراژدی از کتاب فوق را به زبان انگلیسی (به شیوه‌ای که به خاطر سادگی‌اش مورد انتقاد برخی از همکارانش قرار گرفت) برگرداند. از جمله اینها می‌توان از تراژدی «سهراب و رستم» نام برد.^۷ این اثر در سال ۱۹۸۶ در مجموعهٔ پر آوازهٔ «شاهکارهای جهانی نورتون» به چاپ رسید.^۸ چندی پیش از مرگ زودرسش، وی داستان اسفندیار را تحت عنوان «پنجه‌های اژدها» به چاپ رساند که برندهٔ جایزه‌ای نیز گردید؛^۹ اما کارهای وی بر روی شاهنامه بدینجا پایان نیافت. وی در تحقیق دیگری تلاش کرد که بتواند رابطهٔ متن شاهنامه را با تصاویر شاهنامه‌ای روشن کند. در این تحقیق برای مثال؛ وی سعی می‌کند رنگ آمیزی و انتخاب رنگ‌ها و اشکال را توضیح دهد. او در مقاله‌ای در همین زمینه می‌پرسد: دیو سفید واقعاً چه رنگی است؟

جری در دانشگاه پرینستون به تکنولوژی علاقه خاصی نشان داد و به تأسیس گنجینه‌ای از اطلاعات دست زد که شامل بسیاری از مطالب مفید دربارهٔ فرهنگ خاورمیانه و تمدن اسلامی بود. این گنجینه «الخزینة» نام دارد و هم اکنون نیز از طریق پایگاه دانشگاه پرینستون قابل دسترسی است.^{۱۰} الخزینة اینتر اکتیو بوده، شامل اطلاعات زیادی دربارهٔ هنر و تمدن اسلامی، به ویژه در قرون آغازین آن است. علاوه بر اینها، این پایگاه، اطلاعات مفید دیگری دربارهٔ قرآن، اسلام و مسلمانان ارایه می‌دهد؛ البته؛ سابقهٔ جری در این زمینه طولانی است و به زمانی باز می‌گردد که در سال ۱۹۶۹ می‌خواست به ایجاد یک کتاب‌نمای الکترونیکی دست بزند.^{۱۱}

من نیز در دو زمینه با جری کلیتون همکاری تحقیقاتی و انتشاراتی داشته‌ام:

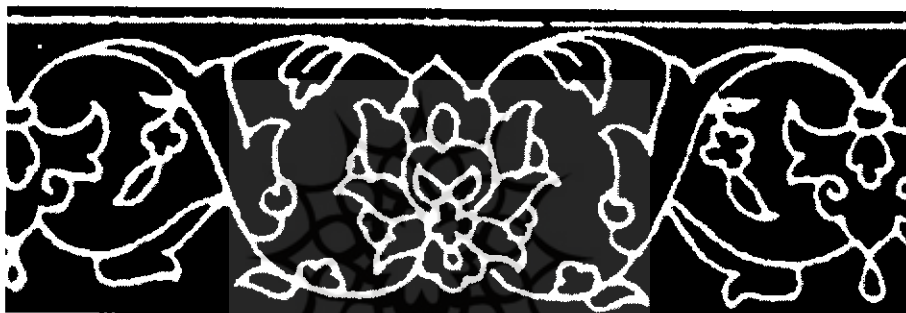
نخست کتابی است درباره نظامی گنجوی، هنگامی که من در پرینستون و در همان گروه مطالعات خاور نزدیک تدریس می‌کردم، آئن لوتر که استاد هر دوی ما بود و من با وی برای مدت سه سال آثار نظامی را مطالعه کرده بودم، در شهر آن آرپور درگذشت. مرگ وی برای هر دوی ما ناگوار بود. لوتر همیشه از اینکه جری به عنوان اولین شاگردش و من به عنوان آخرین شاگردش در یک دانشگاه به کار مشغول بودیم اظهار خوشحالی می‌کرد. پس از دریافت خبر مرگ استاد، من به فکر برپایی یک همایش و تدوین یا تألیف یک کتاب درباره نظامی و به منظور بزرگداشت آئن لوتر اقدام که با همکاری جری هر دو طرح عملی گردید. نتیجه آنها هم کتابی است به نام «شعر نظامی گنجوی: دانش، عشق و بلاغت». ۱۲ سهم جری در این کتاب علاوه بر کمک به کارهای ویرایشی، همکاری در نوشتن مقدمه کتاب و ارائه مقاله‌ای در مقایسه بین داستان لیلی و مجنون و رومئو و ژولیت بود. از این گذشته، جری از من دعوت کرد که به یک پروژه تدوین کتاب فارسی که وی با یکی از همکاران قدیمی اش به نام دان استیلو که زبان شناس بی نظیری است و او نیز مانند من و جری سالیان پیش، از دانشگاه میشیگان فارغ التحصیل شده بود بپیوندم. نتیجه این همکاری چاپ کتابی است در دو جلد تحت عنوان: «فارسی مدرن: زبان گفتاری و نوشتاری» که انتشارات دانشگاه یل آن را به چاپ رسانید. ۱۳

با توجه به استعدادهای شگرفی که در جری سراغ داشتم، شکی نیست که وی می‌توانست پرکارتر، پربارتر و کوشاتر باشد. وی بخشی از نیرویش را صرف گرایش‌ها و فعالیت‌های صوفی‌گری اش کرد. اگر چه به نظر برخی بین این گونه فعالیت‌ها و کارهای آکادمیک شاید تناقضی وجود داشته باشد؛ اما جری به نوعی در هر دو حوزه فعال ماند، اما پس از وی کرسی ادبیات دانشگاه پرینستون (تا این زمان) تمدید نشده است و این باعث تأسف است که این دانشگاه که دارای سابقه تاریخ ایران‌شناسی بوده و از بهترین مجموعه کتاب فارسی و موقوفه‌ای برای تدریس ایران‌شناسی نیز برخوردار است از داشتن یک کرسی ادبیات فارسی محروم گردد. بهر حال امید است که این نقص به زودی برطرف گردد، چرا که این روزها حتی دانشگاه‌های کوچک‌تر و دولتی مانند دانشگاه پرتلند به ایجاد کرسی ادبیات فارسی اقدام کرده است.

در پایان همانطور که قبلاً نیز اشاره کردم می‌توان گفت که کارهای استادان و

پژوهشگرانی از قبیل جری کلینتون ادامه روندی است که از قرن ۱۷ میلادی در اروپا آغاز گردیده است. در آن زمان محققین اروپایی به مطالعه پرشیا (نام پیشین ایران در مجامع بین‌المللی) علاقه‌مند شدند و به زودی کرسی‌های مطالعات ایران‌شناسی در دانشگاه‌ها تأسیس گردید و تعداد کتاب‌ها و مطالب چاپی و خطی به زبان فارسی و آثار هنری ایران در کتابخانه‌ها رو به افزایش گذاشت. علاقه‌مندی آنها همراه با نوعی احترام ویژه برای زبان و فرهنگ و ادیان ایرانی و نوعی ایدئولوژی که ایران را به درست یا نادرست در شکل‌گیری فرهنگ غرب سهیم می‌دانست همراه بود.^{۱۴}

برگردان آثار بزرگ فارسی به زبان‌های اروپایی از جمله تلاش‌های ارزنده‌ای بود که آنان با پرکاری بسیار به انجام رساندند. دیری از برپایی این رشته نوین نگذشته بود



که پژوهشگران برجسته‌ای پا به عرصه وجود گذاشتند که در نهایت توانستند درکی عمیق از فرهنگ ایران، ادبیات فارسی و تاریخ ایران باستان ارائه دهند. البته ایران‌شناسی در آمریکا این قدمت را نداشته و از طرف دیگر نیز می‌توان گفت که در مجموع کمتر به ایران باستان و رشته‌هایی از قبیل تاریخ زبان و واژه‌شناسی که در ابتدا در اروپا مدنظر بودند پرداخته شده است؛ اما ایران‌شناسی در ابتدای معرفی‌اش به جامعه دانشگاهی در آمریکا همان کشش و جاذبه‌ای را که برای اروپاییان داشت در بین استادان و آمریکاییان ایران‌شناس نیز به وجود آورد. جری کلینتون به نسل‌های جدیدتر این گروه علاقه‌مند و متعهد تعلق دارد.

به هر روی هنگامی که افراد خانواده جری کلینتون، دوستان و همکارانش در تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۰۳ در خانه‌اش در شمال نیویورک برای برگزاری مراسم یادبودی برای وی گرد آمده بودند، در ذهن تمامی افراد، چهره مهربان، گرم، صمیمی و خندان وی نقش داشت. به یقین می‌توان گفت که هیچ‌کس به یاد ندارد که هیچ‌گاه او را خشمگین

و کینه‌توز یافته باشد. در آخرین وصیتش خواسته بود که هزینه‌های برگزاری مراسم ختمش و خرید گل و غیره صرف کمک به بنگاه‌های خیریه شود.

یادداشت‌ها:

1. The Divan of Manuchihrī Damghani: A Critical Study. Bibliotheca Islamica, Minneapolis and Chicago: 1972.
2. See Julie Scott Meisami, Medieval Persian Court poetry. Princeton, N.J: Princeton University press, 1987.
3. See "Xaqani's Mada'en Qaside (I), "Edebiyat, vol. i, no. 2(1976): 153-70; and " Xaqani's Mada'en Qaside (II) "Edebiyat, vol. ii, no. 2(1977): 191-206.
4. "Esthetics by Implication: What Metaphors of Craft Tell us About the Unity of the Persian Qasida, "Edebiyat, vol. iv, no. 1(1976):73-96
5. "Madness and Cure in the 1001 Nights: the Tale of Shahriyar and Shahrizad."
6. Some of his other articles are: "On the Feasibility of an Automated Bibliography of Iranian Studies," (with Donald Croll, Edward Davis, and Kenneth A. Luther) Iranian Studies vol. 3(1969): 151- 69; O. L. Vil'chvskii, "Khaqani's Chronograms (from Russian), "Iranian Studies vol. ii, nos. 2-3 (1969):97-105; "Anaser-e hamahangi dar qasa'ed-i manucherhri, "Proceedings of the Third Congress of Iranian Studies, University of Tehran, Tehran: 1974, pages 315-22; William Shakespeare, "Chand sonnet-e shake-spir, "(with Khosrow Farshidvard) Gowhar xii (1974): 41-8; Sadeq Hedayat, "The Man Who Killed His Passions, Lierary Review, Fairleigh Dickinson University, vol . xviii, no 1(Fall 1974):38 - 52(mentioned as"distinctive" in Best American Short Stories of 1975); Gholamhoseyn Sa'edi, "The Wedding, "Iranian Studies vol. viii(1975):2-47.; " Safa-yi Baten: A Study of Iranian Ideal personality Types, "(with Catherine Bateson, Barkev Kassarian, Hasan Safavi and Mehdi Soraya) IN Psychology and the Near East. Edited by Leon

Carl Brown and Norman Itzkowitz, Darwin Press, Princeton: 1977. pages 257-73; " Shams-i Qays on the Nature of Poetry, "Studia Arabica et Islamica, edited by Widad al- Qadi. Beirut: 1981, pages 75-82; "Court and Poetry at the Beginning of the Classical Period, "in Persian Literature. Edited by Ehsan Yarshater, Columbia Lectures on Iranian studies: no. 3. Persian Heritage Foundation, New York: 1988; "The Story of Sam, son of Nariman and the Birth of Zal", Textes et Memoires, vol xvi, Iranicavaria: Papers in Honor of Professor Ehsan Yarshater. E.J. Brill: Leiden. 1990: 38- 47; "Guile and Gender in the Shahnameh, " Iranian Studiesvol. 32, no. 2, (Spring 1999): 223- 30.

7. The Tragedy of Sohrab and Rostam from the Persian National Epic, the Shahname of Abol qasem Ferdowsi. Persian text with a verse translation, introduction and notes by Jerome W. Clinton. University of Washington Press, first edition 1987, second edition, revised, 1996.

8. The Norton Anthology of World Masterpieces: Expanded. Edition. Volume 1, Ancient World to the European.

9. In the Dragon's Claws The Story of Rostam and Esfandiyar from the Persian Book of Kings. Translation and Introduction by Jerome W. Clinton. Mage Books (1999)

10. See <http://www.Princeton.edu/%7Ehumcomp/alkhaz.html>

11. Clinton 1975, 101.

12. The Poetry of Nizami Ganjavi: Knowledge, Love, and Rhetoric, edited by Talattof and J. Clinton (New York: palgrave Macmillan, 2000).

13. Modern Persian: Spoken and Written (Volume I and II), by D. Stilo, K. Talattof and J. Clinton (New Haven:Yale University Press, September 2004).

۱۴. برای اطلاع بیشتر در این باره به نشریه مطالعات ایران شناسی شماره ویژه زیر و مقدمه نیکی

کدی در آن رجوع کنید.

Lgkkh Keddie, "Introduction and Notes on Contributors" Iranian Studies (Special issue on Iranian Studies in Europe and Japan, edited by Rudi Matthee and Nikki keddie) V. xx. No. 2-4, i-vii.